

امام‌مبین انقلا ب استعمار (استکبار) شناسه از دیدگاه



دکتر مرتضی شیرودی

دانشیار مرکز پژوهشی تمدن اسلامی

پدیده استعمار از بدو شکل‌گیری و در تمامی اشکال متنوع خود، همواره مورد تقبیح جوامع مستضعف قرار گرفته است و در دین اسلام نیز نهی شده است. امام خمینی (ره) در زمان خود پایه گذار قیام علیه استعمار داخلی و خارجی شدند و با فروپاشی استبداد طاغوت، مقام معظم رهبری در ادامه راه ایشان نوک پیکار را به سمت آمریکا بعنوان پرچمدار استکبار جهانی قرار دادند.



هیچ عقل سلیمی با استعمار همراه نیست. مبارزه دائمی عقلای اقوام و ملل با استعمار، این ادعا را تأیید می‌کند. به‌علاوه، ادیان الهی نیز با سبطه غیر خدا بر مردم مخالف هستند. اسلام نیز به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین الهی، با استعمار شخصی و جمعی ناسازگار است. «یستضعفون»، گرفته شده از ماده استضعاف به معنای استعمار، مورد نهی شدید قرآن است؛ زیرا در آن، قومی (مانند: قریش) مستکبر و شخصی (مانند: فرعون) ستمگر، فردی یا جمعی را در ابعاد مختلف، تضعیف می‌کنند و در ناتوانی نگاه می‌دارند. قرآن چاره کار در برابر استعمار و استبداد را قیام یا هجرت می‌داند.

امام خمینی (ره) به‌عنوان مجتهد و مفسری زمان‌شناس، از آغاز قیام خود در دهه ۱۳۲۰، با تشخیص همراهی استبداد داخلی با استعمار خارجی، به مبارزه با رژیم پهلوی از یک طرف و انگلیس، آمریکا و شوروی از طرف دیگر پرداخت. کتاب کشف اسرار (۱۳۲۲) و نخستین بیانیه سیاسی (۱۳۲۳) نشان از عمق تفکر ضداستبدادی و ضداستعماری امام دارد. امام خمینی (ره) حتی در اوج نهضت اسلامی مردم در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ «بر قطع دست اجانب از مملکت اسلامی» (صحیفه امام ج ۶ ص ۱۷۷) و بر ضرورت خارج کردن کشور از مدار وابستگی کشورهای امپریالیست و در نهایت، «شکست ابرقدرت‌ها» (همان، ج ۱۳۳ ص ۱۹۷) پای فشرده.



استعمار به معنای هژمونی زور، قدمتی دراز دارد. در این معنا، استعمار همپای استبداد است اما از قرن هفده میلادی، همگام با کشورگشایی دولت‌های اروپایی در آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا، استعمار به معنای استیلای دولت‌های صنعتی بر ملت‌های مستضعف و کم‌قدرت درآمد. استعمار طی چند قرن اخیر، برای خروج از بن‌بست قیام ملت‌ها و دور ماندن از تهاجم افکار عمومی، بدون تغییر ماهیت، چند بار تغییر شکل داد و از استعمار به معنای تصرف یک سرزمین و اداره آن (استعمار کهن) به سپردن اداره کشورها به عناصر مستبد سرسپرده (استعمار نو) و اینک به جذب هزاران نفر از طریق شستشوی ذهن‌ها (استعمار فرانو) درآمده است.

مبارزه با لویح شش‌گانه شاه (۱۳۴۲) و قرارداد کاپیتولاسیون (۱۳۴۳) در دهه ۱۳۴۰ و مخالفت با حزب رستاخیز (۱۳۵۳) و مخالفت مکرر با آمریکا به‌عنوان دشمن شماره یک بشر و ایران (۱۳۵۶) از یک سو، نشان از تداوم ضدیت امام با استعمار و استبداد و از سوی دیگر نشان از تقدم استعمار بر استبداد در ویرانی ایران دارد. مقام معظم رهبری با تأکید بر این که «راه ما، راه امام است.» (۱۸ خرداد ۱۳۶۸) در راه مبارزه با استبداد و استعمار، به همان راهی رفت که امام رفت؛ با این تفاوت که با فروپاشی استبداد شاهنشاهی، نوک حمله را بیشتر متوجه استکبار و در رأس آن، آمریکا (۲۹ آبان ۱۳۹۲) نمود. استکبار در منظومه فکری رهبری، همان استعمار است؛ از این رو که وی استکبار را به معنای زورگویی و برترینی دانسته است (۱۱ مرداد ۲۴ اسفند ۱۳۶۴).

(۱۳۹۵) و از همگان خواسته است از طغیانگران و اشرار عالم یا همان مستکبران جهان، کناره بگیرند و با آنان، همراهی نکنند (فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ)؛ زیرا قرآن دستور به اجتناب از طاغوت (اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ) داده است (۲۹ بهمن ۱۴۰۱). دوری از طاغوت و مبارزه با استکبار و ایستادگی در مقابل آن، سبب رهایی از جهل، تعصب، جمود و توقف می‌شود (۲۹ بهمن ۱۴۰۱). این مبارزه بر پایه آیه: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ، أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» قرار دارد (۱۳ آبان ۱۳۹۹)؛ بنابراین چالش انقلاب اسلامی و استکبار، مستمر است (۸ خرداد ۱۳۹۰) و رهبری، این ستیزه را عین عقلانیت برشمرده است اما علت اصلی دشمنی استکبار و استعمار جهانی با مسلمانان و ایرانیان، خصومت و ترس آنان از اسلام واقعی و عظمت آن در جهان است (۲۴ اسفند ۱۳۶۴).

